

تحلیل محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبثنی بر شناسه سیاست خارجی

علی نوازنی^۱

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

^۱ پژوهشگر پسادکترای علوم سیاسی دانشگاه اصفهان و مدرس گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین. ایمیل:

Navazeni_ali@yahoo.com

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که تعیین‌گر نظام حقوقی و سیاسی کشور است، ماحصل اراده رهبری و نخبگان ارزشی و انقلابی می‌باشد و التزامات ضروری جهت نیل به اهداف و تمنیات ملی، دینی، ارزشی و ایدئولوژیک را فراهم می‌نماید و حوزه اختیارات و مسئولیت دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با سیاست خارجی را ترسیم می‌نماید. بر این مبنا، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که اساساً سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر مؤسسين قانون اساسی، از چه جایگاهی در قانون اساسی برخوردار می‌باشد؟ جهت دست‌یابی به پاسخ سؤال پژوهش که از منظر هدف توسعه‌ای می‌باشد، از روش تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) مبتنی بر روش تحلیل محتوا (با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا) و هم‌چنین جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و کتابخانه‌ای استفاده گردید. در فرآیند کدگذاری باز تعداد ۱۱۹ مفهوم و ۷ مقوله اصلی استخراج شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که از منظر مؤسسين قانون اساسی، مقوله‌هایی هم‌چون «ساختارهای نهادی»، «قانون و حقوق» و «دین اسلام» به ترتیب دارای بیش‌ترین اهمیت و ارتباط با سیاست خارجی می‌باشند. هم‌چنین در زمینه فراوانی واژگان به کار رفته در قانون اساسی مرتبط با نهادهای مؤثر بر سیاست خارجی، به ترتیب قوه مجریه و واژگان مرتبط با آن؛ رهبری و واژگان مرتبط با آن؛ قوه مقننه و واژگان مرتبط با آن؛ از منظر مؤسسين قانون اساسی از بیش‌ترین اثرگذاری بر سیاست خارجی برخوردار می‌باشند. این امر نشانگر آن است که مسئول اصلی پاسخ‌گویی در حوزه سیاست خارجی، قوه مجریه به‌شمار می‌آید.

• واژگان کلیدی

سیاست خارجی، قانون اساسی، تحلیل محتوا، مکس کیودا، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه در قرن بیست و یکم اگر چه شاهد تقویت بازیگران فراملی غیردولتی در ایفای نقش در عرصه تعاملات بین‌المللی می‌باشیم و هم‌چنین تقاضای عموم مردم برای فهم و درک و تأثیرگذاری بر سیاست خارجی کشورها به وجود آمده است. با این حال، تصور بر این است که هم‌چنان دست برتر در حوزه سیاست خارجی در اختیار دولت مردان قرار دارد و در جمهوری اسلامی ایران، به گواه قانون اساسی، اتخاذ سیاست خارجی ملترزم به رعایت تعالیم و معیارهای اسلامی می‌باشد. بر این اساس، هر یک از اصطلاحات و مفاهیم در حوزه سیاست خارجی از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد و سیاست خارجی به معنای شیوه تعاملات یک دولت در قلمرو فراملی و در ارتباط با سایر دولت‌ها تعبیر می‌شود. هم‌چنین این نکته از آن رو حائز اهمیت می‌باشد که در عرصه بین‌المللی بازیگران متنوعی (همچون دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شخصیت‌های بین‌المللی و ...) در تعامل با یکدیگر قرار دارند و ترکیب محدودیت منابع، تنوع منافع، و تنوع تصورات و تفسیرها، فرآیند و چارچوب تصمیم‌گیری را برای هر یک از دولت‌ها دشوار می‌کند.

بر این مبنای، شیوه سازمان‌دهی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، هم‌واره متأثر از پارامترهای انقلابی و ارزشی، دینی، ملی، قانونی و ایدئولوژیک و هم‌چنین اندیشه امام‌خمينی(ره) و تفکرات آیت‌الله خامنه‌ای و رؤسای جمهور در هر دوره می‌باشد. با این وجود، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که تعیین‌گر نظام حقوقی و سیاسی کشور می‌باشد، به عنوان ترسیم‌کننده چارچوب و ساختار عملی در حوزه سیاست خارجی مورد توجه تصمیم‌گیران، نخبگان و بازیگران سیاست خارجی می‌باشد و عمل در ذیل قانون اساسی به‌عنوان حرکت در مسیر ارزش‌های انقلاب تعبیر می‌شود. از سوی دیگر، قلمرو اختیارات و مسئولیت‌های نهادهای حاکم بر جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های مختلف توسط قانون اساسی طرح‌ریزی گردیده است. با توجه به موارد یاد شده، در این پژوهش ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل محتوایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی می‌باشیم که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر مؤسسين قانون اساسی، از چه جایگاهی در قانون اساسی برخوردار می‌باشد؟ هم‌چنین سؤالات فرعی که در پیوند مستقیم با سؤال اصلی بوده و می‌توانند ما را در دستیابی به اهداف تحقیق یاری‌رسان باشند عبارتند از ۱. حوزه و قلمرو تعاملات پایدار میان ابعاد داخلی و خارجی سیاست در ایران مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه می‌باشد؟ ۲. مسئولیت

اصلی پاسخ‌گویی در حوزه سیاست خارجی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظرگاه مؤسسين قانون اساسی برعهده چه نهادی می‌باشد؟

بر این اساس جهت دست‌یابی به پاسخ سؤالات طرح شده، از روش تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) مبتنی بر تحلیل محتوا و هم‌چنین جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای بهره‌مند می‌گردیم. هم‌چنین پژوهش حاضر از ۴ بخش که عبارت است از نخست دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی در ارتباط با جایگاه قانون اساسی در کشور، دوم، تعاملات پایدار سیاست خارجی و سیاست داخلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سوم بررسی جایگاه سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و چهارم، نقش قوه مجریه در سیاست خارجی مبتنی بر اصول قانون اساسی، تشکیل می‌گردد.

پیشینه پژوهش

آثار و پژوهش‌های متعددی در راستای بررسی قانون اساسی و برقراری پیوند و ارتباط آن با مفاهیم و اصطلاحات و ارزش‌های متنوع اجتماعی، سیاسی، حقوقی و دینی توسط پژوهشگران به‌مورد اجرا قرار داده شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

بهادری و اصغری شورشانی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «جایگاه و نقش مبانی نظام حقوقی در تفسیر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» معتقدند که قول مختار در خصوص مفهوم مبانی نظام حقوقی، دلایل اعتبار و مشروعیت آن است و در دو سطح مبانی ناظر بر سیرت و مبانی ناظر به صورت، قابل ذکر است. هم‌چنین با اولویت دادن به مبانی نظام حقوقی می‌توان قائل به نظارت شرعی بدوی و غیر توقیتی شورای نگهبان نسبت به قوانین و مقررات بود؛ چنان‌که تفسیر حدود اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی نیز، با اولویت دادن به مبانی نظام حقوقی است که مقید به موارد منصوص در اصول قانون اساسی نخواهد بود.

بهشتی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر قانون اساسی» نشان می‌دهند که مهم‌ترین اصولی که در قانون اساسی ذکر گردیده و باید در سیاست خارجی به آن توجه و مورد اجرا قرار داد، عبارت است از: پیگیری رویکرد مصالحه‌جویانه در تعاملات بین‌المللی، مقابله با استعمار خارجی و استبداد داخلی، حمایت از مظلوم و مستضعف در پهنه گیتی و مقابله با ظلم و ظالم و مستکبر در راستای دست‌یابی به سعادت همه انسان‌های عالم و تحقق استقلال و آزادی در ذیل عزت و عدالت.

بوچانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیل ساختاری حاکمیت ملی و مدیریت محلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو رویکرد حکمروایی شایسته شهری» تلاش می‌کنند تا شاخص‌هایی را برای حکم‌رانی شایسته شهری طرح نماید و اشاره می‌نماید که شاخص‌های «تمرکززدایی» و «قانون‌مداری» از کم‌ترین و «مسئولیت‌پذیری» و «حق مشارکت» از بیش‌ترین تطابق و هماهنگی با قانون اساسی برخوردار می‌باشند و نتیجه می‌گیرند که آنچه در قانون اساسی در مورد رابطه حاکمیت ملی و مدیریت محلی آمده است، منطبق بر معیارهای حکم‌رانی شایسته شهری است.

عمید زنجانی و توگلی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» معتقدند که اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منطبق با معیارها و مبانی دینی و اسلامی است و از آن جمله به مواردی هم‌چون تحقق و عملیاتی نمودن باور به امت اسلامی و حمایت از مسلمانان، مظلومان و مستضعفان و تقابل با سلطه‌گران، ایجاد تعامل‌های صلح‌آمیز با دول غیرمحراب و ... اشاره می‌نمایند.

طاهایی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «جایگاه قانون اساسی در سیاست خارجی» در تلاش است تا نشان دهد که چگونه قانون اساسی می‌تواند زمینه‌ساز ثبات در کشور و تحقق دیپلماسی پایدار گردد. هم‌چنین معتقد است که اهمیت قانون اساسی در روح‌وارگی و هویت آن است و نه در داعیه‌های اجرایی و عملیاتی بودن. وی معتقد است که قانون اساسی نسخه‌ای رفتاری برای سیاست خارجی ایران به‌عنوان یک دولت ملی ندارد، بلکه کالبدی است که روح یا ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی در آن جاری است؛ و این‌که منادی‌گری انسان‌ها به تغییر مسالمت‌آمیز نظم جهانی به‌سوی نظم خداوندی‌تر است.

همان‌طور که در بررسی‌های پیشین قابل مشاهده می‌باشد و ما نیز در پژوهش حاضر از آن‌ها بهره‌مند خواهیم گشت، تحقیقات حول محور ارزیابی و سنجش استخراج جایگاه مفاهیم مختلف ارزشی در قانون اساسی بوده و هم‌چنین آثار زیادی به‌طور خاص به مقوله سیاست خارجی و پیوند آن با مسائل روز پرداخته‌اند و علاوه بر این در پژوهش اخیر (طاهایی)، نویسنده برداشت‌ها و تفاسیر خویش و گاهی با رویکردی انتقادی و مقایسه‌ای، به جایگاه و اهمیت نقش قانون اساسی در سیاست خارجی پرداخته است. با این حال در پژوهش حاضر، در پی آن هستیم که به تحلیل محتوایی کمی و کیفی جایگاه قانون اساسی از منظر و چشم‌انداز مؤسسی و نویسندگان قانون اساسی برآییم که از منظر آنان سیاست خارجی از چه جای‌گاهی برخوردار می‌باشد و هم‌چنین

مشخص نماییم که مسئول اصلی که ضرورت پاسخ‌گویی در حوزه سیاست خارجی در کشور را دارد بر اساس نظر مؤسسين قانون اساسی چه نهادی است. در این راستا، از روش و چارچوب تحلیل محتوای کمی و کیفی و هم‌چنین تعیین و سنجش توان و قدرت اثرگذاری هریک از قوا و دستگاه‌های سیاسی و حاکمیتی کشور در حوزه سیاست خارجی از منظر (مؤسسين قانون اساسی) جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم که این امر نقطه تمایز و هم‌چنین نوآوری این اثر در قبال آثار پیشین بشمار می‌آید.

چارچوب مفهومی: چیستی سیاست خارجی

سیاست خارجی به معنای مجموعه خط مشی‌ها، تدبیرها، روش‌ها و انتخاب موضوعی است که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌کند (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۴۷) مبتنی بر تعریف ارائه شده، معیار عمده در اتخاذ تصمیمات مربوط به سیاست خارجی، منافع ملی دولت‌هاست که در این مورد باید دور از علایق فردی و گروهی به سیاست‌گذاری مبادرت نمایند. مراد از منافع ملی، مهم‌ترین انگیزه‌ها و ارزش‌ها، عالی‌ترین اهداف و حیاتی‌ترین نیازهای یک کشور است که به کنش‌ها و رفتار آن در عرصه بین‌المللی شکل داده و آن را هدایت می‌کند، می‌باشد (فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۴۱).

اگرچه عوامل مختلفی در فهم، درک و تصمیم‌گیری در چارچوب منافع ملی اثرگذار می‌باشند، عواملی از قبیل ارزش‌های اجتماعی، افکار عمومی و هم‌چنین عادات مردم (خصیصه‌های ملی)، ارزش‌ها و عقاید و احتیاجات تصمیم‌گیرندگان و برداشت آنها، ایدئولوژی، زمینه‌های تاریخی و فرهنگی، نیازهای داخلی، شکل و ساختار حکومت، موقعیت در صحنه بین‌المللی و توانایی‌های کشور، ساختار نظام بین‌الملل و ... (قوام، ۱۳۹۱: ۱۴۸-۱۵۵) بدین ترتیب در جمهوری اسلامی ایران، بازیگران و نهادهای رسمی متعددی در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خارجی مبتنی بر ۳ اصل (۱) سلسله‌مراتب در تصمیم‌گیری، ۲. تفکیک وظایف و کارکردها، ۳. میزان توانایی هر نهاد در فرآیند و نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی) حضور دارند که از جمله این نهادها می‌توان به نهاد رهبری، قوه مجریه، قوه مقننه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، قوه قضائیه، نیروهای مسلح اشاره داشت (فیروزآبادی، ۲۴۹-۲۵۳).

این نهادها به اقتضای کارکرد و مسئولیت‌هایی که برعهده دارند، باید با بهره‌گیری از ابزارها و وسایل متنوعی هم‌چون روش‌های دیپلماتیک، نظامی، فرهنگی و تبلیغاتی، روش‌های اقتصادی

(Aydin, 2019: 147) به طور مستمر در خدمت تحقق خواستها و منافع ملی و بین‌المللی خود و در ارتباط با جهان خارج از مرزهای خود باشند و رفتارهای آن‌ها باید در چارچوب منافع ملی و همچنین در چارچوب اسناد و قوانین بالادستی قابل توجیه باشد.

روش پژوهش: تحلیل محتوا

سازمان‌دهی بینش و اندیشه انسان برای فهم موضوعات جدید، از جمله هنجارهای زندگی اجتماعی به‌شمار می‌رود. صحبت از سیاست، اقتصاد، حیات، اندیشه، فرهنگ، اجتماع بشری و ... مباحثی می‌باشند که امکان عبور سریع از آن‌ها میسر نبوده و مستلزم تفقه و تدبیر در آنان می‌باشد. صحبت در حوزه محتوا برانگیزنده چنین تصویری می‌باشد که استنباط ما از فرآیند ظاهری رو به تحقق، نشان دهنده تمامی حقیقت نبوده و چیزی فراتر از متن و ظاهر، در عمق متن و محتوای حاکم بر یک متن وجود دارد. تحلیل محتوا در اصطلاح، فنونی را گویند که در پی تحلیل تعامل‌ها و ارتباط‌ها با بهره‌گیری از روش‌های عینی و نظام‌یافته با هدف ارائه توصیفی مناسب از محتوای متن می‌باشد که از این طریق، بتوان به شناختی در ارتباط با شرایط و چگونگی تولید متن یا دریافت پیام دست یافت (فتاحی‌زاده و بابازاده، ۱۳۹۷: ۱۷۶). بر این مبنا، طبق روش تحلیل محتوا، می‌توان هر گونه سند ثبت شده‌ای را که مرتبط با زمان گذشته و یا زمان حال می‌باشد، مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد (تکلی، ۱۳۹۶: ۴۷).

اسناد و آثار منتشر شده توسط دولت، هم‌چون اسناد حقوقی و آثار چهره‌های بزرگ عمومی و دانش‌مندان سیاسی همگی همواره حائز اهمیت فراوان می‌باشند. اسناد و قوانین اساسی دولت‌ها، شواهد مستند بسیار مفیدی را فراهم می‌آورند تا تحلیل‌گران به قضاوت در مورد کمیت و کیفیت این آثار بپردازند. در این راستا، استخراج داده‌های کمی (سطح تحلیل آشکار) و یا تجزیه و تحلیل مفهومی، از اسناد به‌عنوان هدف طیف گسترده‌ای از اندیش‌مندان می‌باشد (E.Ethridge, 2002: 23). در این مرحله، داده‌ها به‌صورت کلمات و مضامین ارائه می‌گردند که امکان ارائه تفسیری از نتایج را فراهم می‌نماید. اگرچه، لازم به توضیح می‌باشد که در هنگام استفاده از تحلیل محتوا برای اندازه یک واحد تجزیه و تحلیل، هیچ معیار مشخصی وجود ندارد (Bengtsson, 2016: 10) و همین امر در ارتباط با گزینش عناوین یا مفاهیم در تحلیل محتوا نیز صادق می‌باشد و محقق به‌عنوان متخصص می‌تواند با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و هم‌چنین طرح‌ریزی حدس‌های راهبردی، به گزینش عبارت‌های مفهومی و رابطه‌ای مرتبط با

موضوع بپردازد. همچنین در پی توصیف اهداف مدّ نظر نویسندگان متن می‌باشد و از خود کلمات استفاده و امور مشهود و آشکار در متن را نمایش می‌دهد و حقایق از متن به شکل فراوانی بیان می‌شوند که به صورت درصد یا اعداد واقعی دسته‌های کلیدی بیان می‌شوند.

همچنین در تحلیل محتوای کیفی، داده‌ها به صورت کلمات و مضامین ارائه می‌شوند که امکان ترسیم تفسیری از نتایج را فراهم می‌کند. بر این اساس، در پژوهش حاضر سطح تحلیل (آشکار و پنهان) مورد توجه می‌باشد. در سطح آشکار، در پی توصیف آنچه مدّ نظر قانون‌گذاران در قانون اساسی بوده است، می‌باشیم و از خود کلمات استفاده و چیزهای مشهود و آشکار را در متن توصیف می‌نماییم و در سطح پنهان، به تفسیر پرداخته و در پی یافتن معنای زیربنایی می‌باشیم که در متن نهفته است (Catanzaro, 1988: 443) اگر بخواهیم فرآیند تحلیل محتوا را در قالب مثالی ترسیم نماییم، می‌توان چنین عنوان داشت که در تجزیه و تحلیل مفهومی به‌عنوان مثال، شاعر مورد علاقه شما اغلب در مورد گرسنگی می‌نویسد. با تجزیه و تحلیل مفهومی شما می‌توانید مشاهده نمایید که چند بار کلماتی مانند گرسنگی، گرسنه، فوق‌العاده گرسنه در یک حجم از اشعار مورد استفاده قرار گرفته است. در مقابل، در تجزیه و تحلیل رابطه‌ای، یک قدم فراتر می‌رویم: به‌عنوان مثال در خصوص مورد بالا، غذا رابطه تنگاتنگی با گرسنگی دارد و از این منظر بررسی آن با گرسنگی هم‌خوانی دارد (Colorado, 2014).

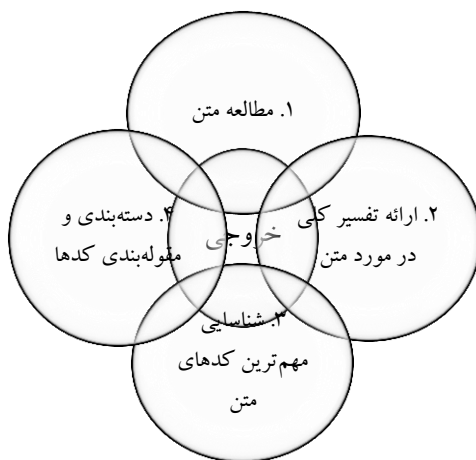
همچنین باید به این نکته توجه داشت که در سطح تحلیل رابطه‌ای، نویسنده تلاش می‌نماید که خود را تا حدی در داده‌ها غوطه‌ور نماید تا معانی پنهان در متن را آشکار نماید و داده‌های مرتبط با متن را از طریق جدول و نمودار عرضه نماید؛ تا از این رهگذر، دید کلی سریعی از نتایج حاصله در اختیار خواننده قرار دهد و در ادامه با تلفیق داده‌های مفهومی به داده‌های ارتباطی، به جمع‌بندی داده‌ها اقدام نماید (Burnard, 1991: 465).

تحلیل محتوا در حال حاضر در زمینه‌های بسیاری استفاده می‌شود، اعم از بازاریابی و مطالعات رسانه، ادب و بلاغت، جامعه‌شناسی سیاسی، مردم‌نگاری، علوم‌شناختی، مطالعات فرهنگی، روان‌شناسی و بسیاری از زمینه‌های دیگر. در تجزیه و تحلیل محتوا، ایده این است که برای خواندن اسناد و متون، یک روش سیستماتیک را به‌منظور استخراج داده‌های تجربی برای آزمایش فرضیه‌های علمی به‌کار ببریم (Alonso, 2012: 9). تجزیه و تحلیل محتوا در مقایسه با سایر روش‌های به‌دست آوردن مستقیم‌تر داده‌های کمی که نسبتاً پیچیده، وقت‌گیر و پرهزینه هستند، سریع‌ترین و ارزان‌ترین روش جمع‌آوری داده‌ها می‌باشد.

بر این اساس، جهت انجام تحلیل محتوا مراحل را می‌توان ترسیم نمود که ضمن ارائه توضیحاتی در این خصوص، در قالب شکل شماره ۱ نشان داده می‌شود:

۱. متن و سند مورد نظر مورد مطالعه اولیه قرار می‌گیرد.
۲. ارائه تفسیری کلی از متن و ارتباط و پیوند احتمالی آن با موضوع و سؤال پژوهش.
۳. شناسایی مهم‌ترین واژگان و عبارات کلیدی متن: در این مرحله پس از مطالعه متن، کدهای مرتبط با سیاست خارجی در متن قانون اساسی از طریق نرم‌افزار «مکس کیودا» (MAXQDA) استخراج و در اختیار ۵ عضو هیأت علمی (۳ عضو با گرایش روابط بین‌الملل و ۲ عضو با گرایش جامعه‌شناسی سیاسی) قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا موجودیت ارتباط کدها با سیاست خارجی را ارزیابی نمایند و در نتیجه کدهایی که از نظر حداقل ۳ عضو تشابه داشتند، با عنوان کد قابل قبول و کدهایی که فاقد تشابه بین ۳ عضو بودند، با عنوان غیرقابل قبول مشخص گردید و حذف شدند.
۴. جمع‌آوری واژه‌گان، شمارش آن‌ها و مقوله‌بندی آن‌ها: فرآیند مقوله‌بندی با کسب آرا و مصاحبه با ۳ عضو از ۵ عضو هیأت علمی انجام گردید. بر این اساس، می‌توان انتظار داشت که پس از کنار هم قراردادن این واژه‌ها، تفکر و نوع نگاه نویسنده متن به موضوع در آن‌ها جستجو می‌شود. در واقع هویت، فرهنگ و روح حاکم بر متن در برابر واژه‌ها شناخته می‌شود (منادی، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۳).

شکل ۱. قالب‌بندی مراحل اجرای تحلیل محتوا



۱. دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی در ارتباط با جایگاه قانون اساسی در کشور

از منظر امام خمینی (ره)، پایه و اساس جریان انقلاب، پای‌بندی به قوانین است. ایشان معتقد بودند که قانونی باید به مورد اجرا قرار گیرد که از ماهیت اسلامی برخوردار باشد و ایشان عاملان تحقق آن در جامعه را، علما و خبرگان اسلامی برخوردار از اعتقاد و تدبیر و آگاهی اسلامی می‌دانستند (صحیفه‌نور، ۱۳۸۹، ۴/۴۳۲). و همچنین تأکید داشتند که: «ما قانون اساسی مسکو را که نمی‌خواهیم درست بکنیم، ما قانون اساسی آمریکا را که نمی‌خواهیم، ما می‌خواهیم قانون اساسی اسلام را درست کنیم» (صحیفه‌نور، ۱۳۸۹، ۴/۴۴۵).

همچنین اندیشه و عمل امام و یارانشان حاکی از آن بود که نمایندگان مجلس بررسی قانون اساسی باید به گونه‌ای توسط مردم برگزیده شوند که هیچ تعارض و خللی در ماهیت اسلامی نظام و قانون اساسی ایجاد نشود (صحیفه‌نور، ۱۳۸۹، ۵/۲۷۸). لذا پس از مشخص شدن خروجی آرای مردم در زمینه همه‌پرسی قانون اساسی (حضور گسترده و پاسخ آری مردم)، امام خمینی (ره) ضمن خشنودی از دستاورد همه‌پرسی، چنین اظهار داشتند: «قانون اساسی صحیح است... قانون اساسی همه دردها را ان شاء الله دوا می‌کند» (صحیفه‌نور، ۱۳۸۹، ۶/۳۴۷). و متکی بر آن، ایشان اعتقاد به لزوم پای‌بندی و رعایت تمامی اصول و قواعد حاکم بر قوانین داشتند و هرگونه تخطی از قوانین را بر نمی‌تابیدند و نظر به تبعیت همگان به قانون داشتند (صحیفه‌نور، ۱۳۸۹، ۱۴/۳۷۷).

هم‌چنین از طرفی نیز آیت‌الله خامنه‌ای که مسئولیت رهبری جمهوری اسلامی ایران را پس از وفات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی برعهده دارند، همواره بر لزوم پای‌بندی به قوانین از سوی مسئولان و آحاد مردم تأکید داشتند و در رویه اجرایی خویش نیز بر آن پای‌بند بودند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲). هم‌چنین رعایت و پای‌بندی به قانون اساسی کشور را راه حل همه مسائل و مشکلات جامعه و حاکمیت قلمداد می‌نمایند و معتقدند: «عمل به قانون اساسی، علاج اساسی دردهای این کشور است و عمل هم متوقف بر این است که عناصر عمل‌کننده؛ چه آن‌هایی که مجاری اجرای قانون اساسی را معین می‌کنند - مثل دستگاه‌های قانون‌گذاری - چه کسانی که آن را اجرا می‌کنند - مثل قوه مجریه - چه کسانی که عدالت و تخلف‌ها را مورد ملاحظه قرار می‌دهند - مثل قوه قضاییه - و همه دست‌اندرکاران این کشور، در مقام عمل، اخلاص و صفا و مسئولیت و انجام وظیفه را ملاک خودشان قرار دهند. این اساس قضیه است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹). و هم‌چنین تأکید دارند که رعایت هویت انقلاب و اساس این نظام صرفاً از طریق عمل به وظایف در چارچوب قانون اساسی (که مترقی و جامع است) امکان‌پذیر می‌باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲)؛

چراکه نویسندگان قانون اساسی نیز متأثر از مکتب امام بوده، قانون را عامل انسجام و پویایی انقلاب می دانستند: و پای بندی به مقررات اسلامی و مشروعیت بخشیدن به قانون، مشروط بر این است که بر طبق اسلام باشد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

بر این اساس، اگرچه بالاترین مقام در جمهوری اسلامی منطبق بر قانون اساسی بر عهده رهبری و ولایت فقیه قرار داده شده است، با این وجود، آیت الله خامنه‌ای معتقدند که مسئولیت اولیه اجرایی بخش‌های مختلف کشور، متوجه مسئولان آن بخش‌ها می‌باشد و صرفاً در زمان انحراف از مسیر انقلاب و اسلام است که رهبری ورود می‌نماید و نقش هدایت‌گر را ایفا می‌نمایند (ارسطا و برومند، ۱۳۹۸: ۱۵). ایشان هم‌چنین به صراحت حق دخالت در امور تفویض شده را در وهله اول از خود سلب می‌نمایند و اظهار می‌دارند «مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیت‌های مشخصی دارند. در بخش اقتصادی، در بخش سیاسی، در بخش دیپلماسی ... ، مسئولیت‌های مشخصی دارند. و رهبری صرفاً آن جایی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری ورود می‌نمایند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

براین مبنا، متکی بر دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای، قانون و به‌طور مشخص قانون اساسی سرمنشأ تمامی اقدامات در حوزه امور داخلی و خارجی کشور و نظام اسلامی می‌باشد. در ادامه، به بررسی تعاملات پایدار میان سیاست خارجی و سیاست داخلی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته تا از این ره‌گذر، امکان تحلیل عناصر و واژگان محتوایی اثرگذار بر سیاست خارجی منطبق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فراهم آید.

۲. تعاملات پایدار سیاست خارجی با سیاست داخلی در جمهوری اسلامی ایران

سیاست به مثابه تبیین و تدوین و طرح‌ریزی امور جاری و آینده، منطبق بر دو عرصه داخلی و خارجی می‌باشد و در این راستا صرف نظر از هر نوع نظام سیاسی، سیاست داخلی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی دخالت می‌کند (ارسطا و برومند، ۱۳۹۸: ۱۵). و می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیاست خارجی ابتدا از درون ایجاد می‌گردد و تحت تأثیر ارزش‌ها، ایده‌ها، ابتکارات و تحولات کشورها می‌باشد (Hill, 2003: 222).

با در نظر گرفتن چنین تعبیری، توجه به این نکته ضرورت دارد که ارتباط و پیوند بین حوزه سیاست خارجی و حوزه‌های داخلی تا حد زیادی توسط نهادهای مختلف حاکمیتی و هم‌چنین نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرد و محدودیت‌های داخلی بر تصمیمات طراحان و سیاست‌گذاران

امور خارجی اثرگذار می‌باشد (Esteen, 2020: 2). باربارا فارنهام (Barbara Farnham) توجه را به دو الزامی که این بازیگران با آن روبرو هستند جلب می‌کند: اینکه چگونه محدودیت‌های سیاست‌داخلی، سیاست‌خارجی را تغییر می‌دهد و چگونه ارزش‌های جامعه به ترجیحات دولت تبدیل می‌شود (Farnham, 2004: 459). بر این اساس، در تحلیل عملکرد رؤسای دولت‌ها و مجریان دستگاه سیاست خارجی، باید عوامل محرک و اثرگذار مختلف را شناسایی نمود که از آن جمله می‌توان به مواردی همچون، شخصیت و شناخت مسئول، درجه عقلانیت حاکم بر تصمیمات، سیاست‌داخلی، گروه‌های ذی‌نفوذ، نظام‌سیاسی و همچنین قوانین بالادستی و فضای سیاسی حاکم بر افکار عمومی و همچنین نهادهای حاکمیتی خارج از قوه‌مجریه که حوزه و قدرت سران را در تصمیم‌گیری سیاست‌خارجی تعیین می‌کند (Zarra, 2011: 1-2).

علاوه بر این، قوانین‌اساسی کشورها این گرایش و رهنمود را دارند که همان‌طور که ابعاد و اصول سیاست‌داخلی را به‌طور از پیش یا پیشینی پوشش دهند، همین اصول را در سیاست‌خارجی نیز پیگیری و اعمال نمایند که در ارتباط با قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی‌های اساسی هم‌چون تاریخ و فرهنگ ایران هم‌چون دین‌محوری، دولت مرجع و قدرتمند، تعالی‌طلبی اخلاقی، حمایت از مستضعفان، نفی سبیل، آرمان‌گرایی و واقع‌بینی، ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی، ساختار نظام سیاسی (شکلی و محتوایی) مورد توجه می‌باشد (طاهایی، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۰۳). هم‌چنین ضرورت دارد که تصمیم‌گیرندگان سیاست‌خارجی شناخت جامعی از سیاست‌های داخلی داشته باشند. در این ارتباط، امام‌خمینی(ره) با بهره‌گیری از تعبیر «صدور انقلاب» تأکید داشتند که «صدور انقلاب... (یعنی) می‌خواهیم حرف‌مان را به دنیا برسانیم که یکی از آن مراکز وزارت امور خارجه است که باید مسائل ایران و اسلام و گرفتاری‌هایی که ایران از شرق و غرب داشته است، به دنیا برساند» (صحیفه‌نور، ۱۳۸۹: ۱۹/۲۴۱-۲۴۲).

از طرفی نیز گاهی اوقات دولت‌ها تعهداتی می‌دهند که آن‌ها را یا در راستای اجرای تعهدات حقوقی بین‌المللی و یا - اغلب - به‌عنوان مسائل ارزشی می‌توان توضیح داد: انجام کار درست، صرفاً به این دلیل که کار درست است (Evans, 2016: 18). و در سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران، برجستگی هویت ملی و نیاز مستمر به پاسداری از ارزش‌های ملی و دینی حائز اهمیت است. به همین ترتیب، برجستگی دین در سیاست‌داخلی و خارجی بسیار مهم است. این فرآیندی است که در آن دولت متهم به تحکیم احساسات مذهبی برای تحکیم قدرت خود می‌باشد (Magdi, 2005). علاوه بر این، می‌توان عنوان داشت که امام‌خمینی(ره) جهت ترسیم تعاملات پایدار میان

سیاست داخلی با سیاست خارجی، با اشاره به ارتباط حوزه داخلی و خارجی، وحدت کلمه در داخل را جهت تقویت انسجام و مقاومت در خارج را دارای اعتبار و اهمیت می‌دانستند، متقابلاً تحقق خصیصه‌های عادلانه در نظام بین‌الملل را در حفظ منافع ملی یک کشور تأثیرگذار می‌دانستند (روحانی، ۱۳۹۱: ۳۹).

همچنین ایشان شکوفایی و پای‌بندی به قوانین در داخل را موجب عدم نفوذ بیگانگان بر کشور و طرد سلطه اجانب دانسته و عمل به موازین حقوقی در داخل را موجب گرایش ابناء بشر به چنین الگوی قانونی با رعایت اصل تدرج تلقی می‌نمودند (صحیفه‌نور، ۱۳۸۹: ۱۰۹/۱۵) و تأکید داشتند که فرآیندی که در داخل کشور در نتیجه بروز انقلاب در حال عملیاتی شدن و سازماندهی شدن می‌باشد، ضرورت دارد که در خارج از مرزهای کشور نیز پی‌گیری گردد و فقط در سایه روابط بین‌المللی است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند خود را از گزند زمانه محفوظ و برحذر دارد: «ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد ... این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. آرزوی ما این است و معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند» (صحیفه‌نور، ۱۳۸۹: ۱۳۳/۱۳). آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر مبدل شدن جمهوری اسلامی ایران به الگویی برای سایر جوامع و کشورها به مثابه ام‌القرای جهان اسلام معتقد بودند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹). ایشان به مثابه رهبر جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند که «ما می‌خواهیم ملت ایران را به نقطه‌ای برسانیم که الگو باشد؛ نه فقط برای دنیای اسلام و ملت‌های مسلمان، بلکه برای بشریت» (۱۳۹۵) ایشان در تعبیری دیگر عنوان می‌دارند: «در تاریخ انقلاب اسلامی، محور اصلی مخالفت قدرت‌ها و تلاش دائمی نظام سلطه همواره بر ایجاد تردید و تفرقه در میان مردم و در نتیجه دور کردن آن‌ها از صحنه، استوار بوده است و این امر را سعی کرده به روش‌های مختلف از جمله از طریق هجوم به الگوها و ارزش‌های منتج از انقلاب انجام دهد؛ یعنی الگوی اجتماعی، سیاسی و ارزشی که همواره منشأ اثر و ایجادکننده تحوّل بوده است به‌ویژه که با مدیریت جهادی و نقش مستقیم مردمی همراه است» (ملکوتیان، ۱۴۰۱).

مبدل شدن به الگو و اُسوه برای جوامع اسلامی، از منظر طراحان قانون اساسی در ایران نیز مغفول نمانده است، به گونه‌ای که در مقدمه قانون اساسی در بخش شیوه حکومت در اسلام علاوه بر تأکید بر مبدل شدن جامعه ایران به جامعه‌ای نمونه و اُسوه، تأکید بر تداوم محتوای اسلامی انقلاب در داخل و خارج از کشور می‌نماید: «(جمهوری اسلامی ایران) اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اُسوه) خود را بنا کند... قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران

که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند» (کتاب قانون اساسی، ۱۴۰۲)

۳. جایگاه سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به ارتباط و پیوند ناگسستنی میان ارزش‌ها و اصول حاکم بر سیاست داخلی با سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران، ضرورت دارد که به بررسی جایگاه سیاست خارجی از منظر کمی و کیفی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه نماییم. در ادامه اقدام به بررسی فراوانی واژگانی که ارتباط مفهومی با مقوله سیاست خارجی در عرصه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارند، در قالب جدول شماره ۱ می‌پردازیم.

جدول ۱. فراوانی واژگان مرتبط با موضوع سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

| مقوله‌بندی | کد | فراوانی | کد | فراوانی | کد | فراوانی | کد | فراوانی |
|-----------------|----------------------------|---------|---------------|---------|---------------------|---------|---------------------------------------|---------|
| استقلال و آزادی | صلح | ۳ | ظلم | ۰ | جنگ | ۳ | توسعه، پیشرفت | ۵ |
| | مستضعف، مستضعفین، مستضعفان | ۵ | مستکبرین | ۳ | ستم، ستمگری، ستمکشی | ۴ | سلطه، سلطه‌گری، سلطه‌جویی، سلطه‌پذیری | ۹ |
| | استبداد، استبدادی | ۹ | قدرت | ۳ | محارب | ۱ | تساوی، مساوی | ۵ |
| | مصلحت | ۱۱ | آزادی و رهایی | ۱۶ | استقلال و مستقل | ۱۴ | وحدت | ۶ |
| | تمامیت ارضی | ۹ | | | همبستگی | ۲ | | |
| دموکراسی | مردم | ۴۰ | مشارکت | ۶ | انسان و انسانی | ۲۳ | تعهد و متعهد | ۸ |
| | ملت | ۳۴ | مادی | ۶ | بشر | ۳ | مقبولیت | ۱ |
| | عرف | ۰ | عمومی | ۲۸ | امت | ۱۳ | سعادت | ۱ |
| | عموم | ۷ | فرهنگ و | ۱۶ | آرمان | ۳ | سرنوشت | ۴ |

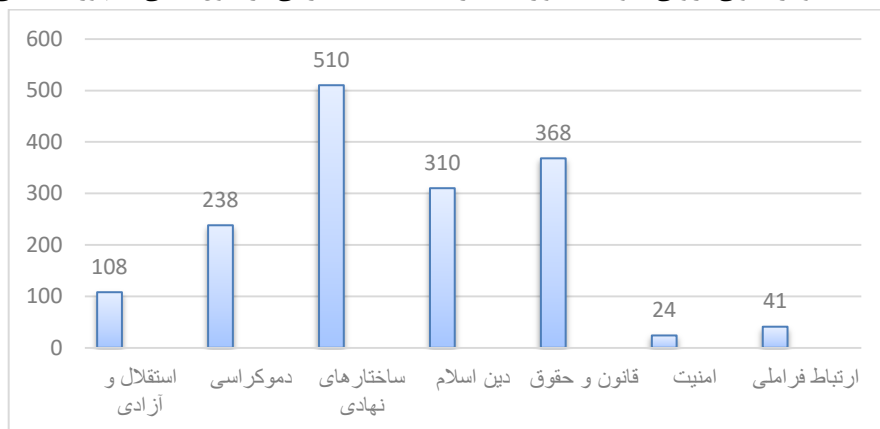
تحلیل محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر شناسه سیاست خارجی / ۵۳

| | | فرهنگی | | | | | |
|-----|---------------------------|--------|------------------------------|----|--|-----|-------------------------------|
| ۱۸ | اجتماعی | ۳۵ | سیاست و سیاسی | ۵ | عامه | ۱۴ | ملی |
| ۳ | قوم و قبیله | ۳ | اقلیت | ۱۸ | جامعه | ۱۲ | اکثریت |
| ۳ | فساد، تباهی | ۱ | ارتقا | ۱۳ | رشد | ۸ | تکامل |
| | | | | ۳۴ | انتخاب | ۴ | خصوصی |
| ۴۹ | وزیر، وزیران، هیأت وزیران | ۵۲ | جمهوری و جمهوری اسلامی | ۵۲ | رهبری، مقام رهبری، خبرگان، مجلس خبرگان | ۴۷ | مجلس شورای اسلامی و رئیس مجلس |
| ۹ | نمایندگان مجلس | ۲۷ | قوه قضائیه و رئیس قوه قضائیه | ۴ | قوه مقننه | ۱۱ | قوه مجریه |
| ۴ | فقیه | ۶ | ولایت | ۶۹ | رئیس جمهور | ۲۹ | شورای نگهبان |
| ۹ | فقها | ۵۸ | دولت | ۲ | بازرسی | ۶ | انقلاب اسلامی |
| ۱۲ | ارتش | ۶ | سپاه | ۷ | پاسدار و پاسداری | ۸ | حکومت اسلامی |
| ۱۶ | نظارت | ۴ | منتخب | ۱۲ | انتخابات | ۱۱ | آراء، آرای |
| ۱۸۹ | اسلام، اسلامی | ۹ | دین و دینی | ۱۶ | نهیض | ۱۴ | مکتب |
| ۷ | احکام | ۱۵ | مسلمان | ۵ | معنوی | ۹ | مذهب و مذهبی |
| ۳ | مقدس، قداست | ۵ | (الله) | ۳ | الگو، اسوه | ۱۶ | خدا |
| ۳ | تقوا | ۹ | مشروع، شرع | ۴ | طاغوت | ۳ | جامعه اسلامی |
| ۲۰ | حکم | ۲۷ | حقوق | ۲۱ | قسط، عدل و عدالت | ۱۱۴ | قانون و قانون اساسی |
| | | | | | | | ساختارهای نهادی |
| | | | | | | | دین اسلام |
| | | | | | | | قانون و حقوق |

| | | | | | | | | |
|------|--------------|----|----------------|----|---------------------|----|---------------|---------------|
| ۱۶ | مسئولیت | ۲۹ | مقررات، موازین | ۷ | عادل | ۲۸ | حق | |
| ۴+۱۴ | ممنوع و منع | ۵ | مجبور و اجبار | ۹ | عزل | ۴ | عادلانہ | |
| ۶ | استعفا | ۳ | نصب | ۱۰ | استیضاح | ۵۱ | وظیفه و وظایف | |
| ۳ | بیگانه | ۲ | توطئه | ۰ | تهاجم یا هجوم | ۸ | دفاع و دفاعی | امنیت |
| | | ۱ | دخالت | ۱ | تهدید | ۹ | امنیت | |
| ۲ | امور خارجه | ۲ | سیاست خارجی | ۱۳ | خارجی | ۲ | بین‌المللی | ارتباط فراملی |
| ۱۴ | جهان و جهانی | ۴ | محلی | ۳ | ائتلاف، اتحاد، متحد | ۱ | جهان اسلام | |

منبع: دستاورد نویسنده مبتنی بر ارزیابی ۵ عضو هیأت علمی

شکل ۲. نمودار ستونی فراوانی مقوله‌بندی واژه‌های مرتبط با سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی



منبع: نویسنده

طبق جدول شماره ۱، سطح تحلیل مورد نظر «کلمه» یا اصطلاح جهت انجام تحلیل محتوا تعیین گردیده است که از این طریق، امکان طرح‌ریزی فهرستی از فراوانی واژگان مورد نظر در متن به‌وجود می‌آید. در تحلیل کمی و شکلی مقوله سیاست خارجی عبارات در تقدّم بررسی همچون سیاست خارجی، خارجی و امور خارجه قرار دارند و مطابق جدول، مشاهده می‌شود که عبارت «خارجی» با ۱۳ تکرار و عبارات «سیاست خارجی» و «امور خارجه» هر کدام با ۲ تکرار استفاده گردیده است. با این وجود، در تحلیل محتوای مفهومی و رابطه‌ای مقوله سیاست خارجی، به

دستاوردها، فراوانی‌ها و یافته‌های بیشتری دست می‌یابیم که می‌تواند از وضوح اهمیت بیشتری در زمینه جایگاه سیاست خارجی برخوردار باشد.

توضیح بیشتر این‌که تحقق اسلام در گفتمان امام خمینی (ره) علاوه بر ابعاد داخلی مشمول ابعاد خارجی نیز می‌باشد. به این معنا که اصول و مبانی‌ای که تعیین‌گر نظام جمهوری اسلامی ایران است علاوه بر این‌که شکل، روش و ساختار تعامل ایران با سایر دولت‌ها و ملت‌ها را ترسیم می‌نماید، امکان اثرگذاری بر نوع رفتار و اندیشه سایر دول و ملت‌ها را نیز به‌وجود می‌آورد و در جهت تغییر الگو و عملکرد عینی و ذهنی آن‌ها گام بر می‌دارد. هم‌چنین دو عامل اصلی را که زمینه صدور انقلاب اسلامی ایران را فراهم می‌نماید، می‌توان در دو حیطه ماهیت فراملی انقلاب و ایدئولوژی جهان‌شمول اسلام دانست. انقلاب فراملی از اهداف و آرمان‌هایی برخوردار است که در پی تحقق آن در خارج از ورطه مرزهای جغرافیایی ایران است. از این‌رو انقلاب اسلامی ایران در پی ایجاد تحوّل در حوزه‌های ساختاری و هنجاری در جامعه ایران و سایر جوامع و ملت‌ها مبتنی بر نظام سیاسی اجتماعی اسلامی می‌باشد. از سوی دیگر، می‌توان به ایدئولوژی جهان‌شمول اسلام اشاره داشت؛ زیرا اسلام، دینی جهان‌شمول و معطوف به بشریت و تأمین سعادت اوست و دارای آمال فراملی و مسئولیت در جهان اسلام و نظام بین‌الملل است (دهقانی‌فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۶). با توجه به این دو بُعد، می‌توان به اهمّ اصول و ارزش‌هایی که در این ارتباط در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تجلّی یافته است در قالب جدول شماره ۲ اشاره و مقوله‌بندی نمود:

جدول ۲. مقوله‌بندی اصول سیاست خارجی مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

| مقوله‌بندی | اصول مرتبط با سیاست خارجی در قانون اساسی |
|--------------------------------------|--|
| نفی ظلم و حمایت از مظلوم و احترام | اصل ۱۵۲: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب استوار است. |
| متقابل و عدم مداخله در امور یکدیگر | اصل ۱۵۴: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند |
| دفاع از کیان اسلام و مسلمانان و وحدت | اصل ۱۱: به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه |

| | |
|--|--|
| <p>ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.</p> | <p>جهان اسلام</p> |
| <p>اصل ۳: تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.</p> | |
| <p>اصل ۱۴: به حکم آیه شریفه «أَپْنَهَاكُمُ اللّهُ عَنِ الدّٰیْنِ لَمْ یُقَاتِلُوْكُمْ فِی الدّٰیْنِ وَ لَمْ یُخْرِجُوْكُمْ مِنْ دِیَارِكُمْ اَنْ تَبْرُوْهُمْ وَ تُقْسِطُوا اِلَیْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِیْنَ» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.</p> | <p>حمایت از صلح جهانی</p> |
| <p>بند ۸ اصل ۴۳: جلگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور</p> | |
| <p>بند ج اصل ۲: نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.</p> | |
| <p>اصل ۱۵۲: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت‌ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.</p> | <p>نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و وفای به عهد و تعاملات صلح‌آمیز</p> |
| <p>اصل ۱۵۳: هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.</p> | |
| <p>اصل ۸۱: دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.</p> | |
| <p>اصل ۸۲: استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.</p> | |
| <p>اصل ۱۴۳: ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را برعهده دارد.</p> | |
| <p>اصل ۱۴۶: استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هرچند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است.</p> | |
| <p>اصل ۷۷: عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.</p> | |
| <p>اصل ۹: در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و احاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و</p> | <p>حفظ استقلال</p> |

| | |
|--|---------------------|
| تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع راه، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. | |
| اصل ۱۳: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. | رعایت حقوق اقلیت‌ها |

مطابق جدول شماره ۲ می‌توان نتیجه گرفت که اهمیت صدور ارزش‌ها و اصول انقلاب در عرصه سیاست خارجی زمینه‌ساز توجه به مفاهیم، عبارات و جملاتی می‌شود که در قانون اساسی در پیوند با این اصول قرار دارد؛ زیرا زبان و متن بازتاب و نمود عینی اندیشه نویسنده و به وجود آورنده متن می‌باشد. در قوانین اساسی این تمایل وجود دارد که همانطور که ابعاد سیاست داخلی را بطور از پیش یا پیشینی پوشش دهند، همین اصل را در سیاست خارجی نیز اعمال نمایند (طاهایی، ۱۳۸۵: ۹۹). بر این مبنا، تمامی مفاهیم ارزشی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (منطبق با جدول شماره ۱) ذکر گردیده است، باید در حوزه سیاست خارجی دنبال شود که این امر از طریق اصل صدور ارزش‌ها و اصول انقلاب که برآمده از قانون اساسی می‌باشد، باید مورد پیگیری قرار گیرد. بر این مبنا، پس از رصد و پایش کلمات و عباراتی که از نظر شکلی و هم‌چنین مفهومی در ارتباط با سیاست خارجی قرار دارند، اقدام به طرح‌ریزی و مقوله‌بندی نمودیم و همان‌طور که در جدول شماره ۱ و شکل شماره ۲ مشخص گردید، به ترتیب مقوله‌هایی همچون «ساختارهای نهادی» با ۵۱۰ بار، «قانون و حقوق» با ۳۶۸ بار تکرار، «دین اسلام» با ۳۱۰ بار، «دموکراسی» با ۲۳۸ بار، «استقلال و آزادی» با ۱۰۸ بار، «ارتباط فراملی» با ۴۱ بار و هم‌چنین «امنیت» با ۲۴ بار تکرار بیش‌ترین مقوله‌های مرتبط با حوزه سیاست خارجی از منظر مؤسسين قانون اساسی می‌باشند. استفاده پرتکرار از کلمات و عبارات در قالب مقوله‌های فوق‌الذکر، بیانگر اولویت و حق تقدم و سمت‌دهی به برخی از امور حائز اهمیت در قانون اساسی مبتنی بر سیاست خارجی می‌باشد. هم‌چنین رضوانی معتقد است که در بعضی از مطالعات، شخصیت‌ها، پست‌ها و مناسبات به جای جملات و واژه‌ها استفاده می‌شود. پژوهشگر می‌تواند از طریق بهره‌گیری از آنان در متن‌های مختلف، به نتایج مورد نظر دست یابد (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۴۴).

۴. جایگاه ساختارهای نهادی در حوزه سیاست خارجی در قلمرو قانون اساسی

در ابتدای امر تلاش می‌نماییم از طریق تحلیل محتوای کمی مشخص نماییم که فراوانی نهادها و سازمان‌های مؤثر در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی به چه صورت می‌باشد که این امر در قالب جدول شماره ۳ ترسیم می‌شود:

جدول ۳. فراوانی واژگانی نهادهای مرتبط با سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

| ردیف | مفاهیم | فراوانی | ردیف | مفاهیم | فراوانی |
|------|--|---------|------|-----------------------------|---------|
| ۱ | رهبری، مقام رهبری، خبرگان، مجلس خبرگان، خبرگان رهبری | ۵۲ | ۸ | قوه قضائیه، رییس قوه قضائیه | ۲۷ |
| ۲ | ولایت | ۶ | ۹ | مجمع تشخیص مصلحت نظام | ۸ |
| ۳ | رئیس جمهور | ۶۹ | ۱۰ | شورای نگهبان | ۲۹ |
| ۴ | وزیر و وزیران، هیات وزیران | ۴۹ | ۱۱ | ارتش | ۱۲ |
| ۵ | قوه مجریه | ۱۱ | ۱۲ | پاسدار و پاسداری | ۷ |
| ۶ | قوه مقننه | ۴ | ۱۳ | سپاه | ۶ |
| ۷ | مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس | ۴۷ | ۱۴ | شورای عالی امنیت ملی | ۴ |

منبع: نویسنده

ساختار و ارکان مختلف در نظام جمهوری اسلامی ایران متکی بر قانون اساسی می‌باشد که مشتمل بر یک مقدمه و ۱۷۷ اصل است که نویسندگان قانون اساسی در زمینه‌های مختلف داخلی و خارجی اقدام به طرح کلیات قانونی نموده‌اند. مطابق جدول شماره ۳، به ترتیب بیش‌ترین فراوانی به کم‌ترین فراوانی می‌توان چنین عنوان داشت که فراوانی تکرار واژگانی مرتبط با «قوه مجریه» ۱۲۹ بار، فراوانی تکرار واژگانی مرتبط با «رهبری» ۵۸ بار، فراوانی تکرار واژگانی مرتبط با «قوه مقننه» ۵۱ بار، فراوانی تکرار واژگانی مرتبط با «شورای نگهبان» ۲۹ بار، فراوانی تکرار واژگانی مرتبط با «قوه قضائیه» ۲۷ بار، فراوانی تکرار واژگانی مرتبط با «تیروهای مسلح» ۲۵ بار، فراوانی تکرار واژگانی مرتبط با «مجمع تشخیص مصلحت نظام» ۸ بار و فراوانی تکرار واژگانی مرتبط با «شورای عالی امنیت ملی» ۴ بار می‌باشد. این امر می‌تواند حکایت از آن داشته باشد که با توجه به اهمیت قوه مجریه در فرآیند اجرا، بیش‌ترین مسئولیت پاسخ‌گویی در حوزه مرتبط با سیاست داخلی و خارجی کشور را برعهده دارد.

۴-۲. نقش قوه مجریه در سیاست خارجی مبتنی بر اصول قانون اساسی

با توجه به موارد یاد شده و همچنین تحلیل محتوای کمی و کیفی، مشخص می‌شود که قوه مجریه مسئولیت اجرا و پاسخ‌گویی در حوزه مرتبط با سیاست داخلی و خارجی را برعهده دارد، بر این مبنا، با بررسی اصول و قواعد حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به برخی از اصولی اشاره نمود که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به نقش و جایگاه قوه مجریه در حوزه سیاست خارجی اشاره می‌نماید که در ادامه در قالب جدول شماره ۴ به آن اشاره می‌نماییم.

جدول ۴. اصول سیاست خارجی در قانون اساسی مرتبط با قوه مجریه

| اصول | متن قانون اساسی |
|------|--|
| ۱۲۵ | امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رییس‌جمهور یا نماینده قانونی او است. |
| ۱۲۸ | سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رییس‌جمهور تعیین می‌شوند. رییس‌جمهور استوارنامه سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد. |
| ۱۳۶ | رییس‌جمهور می‌تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. |
| ۱۳۷ | هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رییس‌جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست. |
| ۱۳۹ | صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد... باید به تصویب مجلس نیز برسد. |
| ۱۵۳ | هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است. |
| ۱۵۴ | جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. |
| ۱۷۶ | به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی "شورای عالی امنیت ملی" به ریاست رییس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد. ۱- تعیین سیاست‌های دفاعی-امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری. ۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی-امنیتی ۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی. |

منطبق بر نظر طراحان و مؤسسين قانون اساسی، رئیس‌جمهور و قوه‌مجریه مسئولیت اجرای سیاست خارجی و به عبارتی پاس‌داری از ارزش‌های حاکم بر نظام اسلامی که در قالب مفاهیم مختلفی در قانون اساسی ذکر گردیده است (منطبق بر جدول شماره ۱ و شکل شماره ۲) را برعهده دارد. با این حال تدابیری از سوی واضعان قانون اساسی کشور در نظر گرفته شده است تا حد و حدودی بر این اختیارات وارد گردانند؛ چراکه مؤسسين قانون اساسی به اقتضای خصائل انسانی و شرایط محیطی، آگاه بودند که اختیارات می‌تواند از یک سو مصلحت کشور در شرایط مختلف را تأمین نماید و از سوی دیگر امکان و احتمال بروز دیکتاتوری را فراهم نماید.

در نتیجه بنا به ضرورت مورد اول، اختیارات ویژه به رئیس‌جمهور در زمینه سیاست خارجی اعطا گردید اما برای خودداری از بروز دیکتاتوری در نفی اراده مردمی و تضمین منافع ملی، تدابیری نیز اندیشیده شده است، اما تدوین‌کنندگان قانون اساسی همچنین دل‌نگران بروز خودکامگی و اقدامات غیرمسئولانه از سوی رئیس‌جمهور بوده‌اند (Wayne: 2020:1). و برای کاهش احتمال خطای رئیس‌جمهور که ممکن است به منافع ملی خسارت وارد آورد، قانون اساسی نسبت به ممیزی اقدامات او پیش‌بینی‌های لازم را کرده است. که از جمله مهم‌ترین این امور می‌توان به جایگاه و نقش رهبری در حوزه سیاست خارجی در چارچوب اصل ۱۱۰ قانون اساسی اشاره نمود که مبتنی بر آن رهبری در امور همچون: تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، فرمان‌دهی کل نیروهای مسلح، اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها، نصب و عزل رئیس‌ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاس‌داران انقلاب اسلامی، فرمان‌دهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه، حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، امضای حکم ریاست‌جمهوری پس از انتخاب مردم ... عزل رئیس‌جمهوری با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور... دارای اختیاراتی می‌باشند.

هم‌چنین این نکته نباید مغفول واقع شود که از محتوای مفهومی وظایف و اختیاراتی که برای مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران منطبق بر اصول ۱۰۷ و ۱۱۰ قانون اساسی در نظر گرفته شده است، رهبری قدرت‌مندترین مقام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است و علاوه بر این مطابق با اصل ۲ قانون اساسی عنوان می‌شود که «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه‌ی ایمان به امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی» بنابراین باید توجه داشت که تمامی امور مرتبط با سیاست خارجی ضرورت دارد که مبتنی بر تدابیر ولایت‌فقیه قرار گیرد. به عبارتی

جهت گیری و خط مشی قوانین و نیازهای مرتبط با دستگاه‌های اجرایی توسط رهبری از طریق ترسیم سیاست‌های کلی نظام ترسیم می‌گردد و این امر در ارتباط با تمامی قوانین و اسناد بالادستی همچون قانون اساسی قابل تعمیم است.

بر این اساس، مقام رهبری که به‌عنوان مهم‌ترین منبع مؤثر بر تدوین قانون اساسی به‌شمار می‌آیند، تأکید می‌کند که مبانی نظری و ارزشی و اصولی نظام باید در حوزه سیاست خارجی پی‌گیری و تجلی یابد و معتقد هستند که سیاست خارجی از جمله مسائل درجه اول نظام به‌حساب می‌آید، یعنی اختصاص به وزارت خارجه ندارد. (مظفری، ۱۳۸۷: ۲۹۸). مجموعه مدیریت کلان نظام، متصدی مسئله دیپلماسی است. با این حال دستگاه تخصصی و کارخانه دیپلماسی و ستاد اصلی دیپلماسی، وزارت خارجه در قوه مجریه است و بنابراین مسئولیت پاسخ‌گویی در درجه اول بر عهده آن می‌باشد.

نتیجه‌گیری

عنصر اصلی و شاکله وجودی پژوهش حاضر را مفاهیم و مقوله‌های برآمده از آن در ارتباط با سیاست خارجی شکل داده‌اند که مؤسسين در قانون اساسی جای‌گذاری کرده‌اند. مقوله‌هایی که در نتیجه تحلیل محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ترتیب دارای بیشترین درجه اهمیت و تکرار بودند، عبارتند از: ساختارهای نهادی، قانون و حقوق، دین‌اسلام، دموکراسی، استقلال و آزادی، ارتباط فراملی، امنیت. با در نظر گرفتن این مقولات، به اهمیت و جایگاه بالای ساختارهای نهادی بخصوص رهبری و نهادهای وابسته، قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح از منظر مؤسسين قانون اساسی پی بردیم که هرکدام مبتنی بر سلسله مراتب، تمایزات کارکردی و همچنین میزان توانایی‌های خود، به نحوی امکان اثرگذاری بر مفاهیم مندرج در قانون اساسی که نشانگر باورها باورها و ایدئولوژی اسلامی جمهوری اسلامی ایران است، دارا می‌باشند.

هم‌چنین بر این مبنا، این نهادها موظف به پی‌گیری و تحقق تمامی مفاهیم ارزشی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (منطبق بر جدول شماره ۱) ذکر گردیده است، در حوزه سیاست خارجی می‌باشند و این امر از طریق اصل صدور ارزش‌ها و اصول انقلاب به‌عنوان زیر بنای بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود (جدول شماره ۲). با مشخص شدن اهمیت و اثرگذاری نهادها در حوزه سیاست خارجی، همان‌طور که (در جدول شماره ۳) مشخص است، رئیس‌جمهور و قوه مجریه از بیش‌ترین تکرار و حق تقدم نسبت به سایر نهادها در حوزه اجرا و پی‌گیری سیاست خارجی و پاس‌داری از ارزش‌های حاکم بر نظام اسلامی (منطبق بر جدول شماره ۱ و شکل

شماره ۲) را دارا می‌باشد با این وجود، مؤسسان قانون اساسی، جهت جلوگیری از خودکامگی و بروز اقدامات غیرمسئولانه، قیودی را برای اختیارات قوه مجریه در حوزه سیاست خارجی (مطابق جدول شماره ۴) مانند «پس از تصویب مجلس»، «اخذ رأی اعتماد برای وزیر جدید»، «وزیر، مسئول وظایف خویش در برابر مجلس»، «به اطلاع مجلس برسد»، «ممنوع است»، «عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها» و ... و یا منطبق با اصل ۱۰۷ و ۱۱۰ قانون اساسی، که اقدامات قوه مجریه باید در مسیر سیاست‌های کلی نظام که توسط رهبری ایجاد می‌گردد قرار گیرد، در نظر گرفته‌اند.

علاوه بر این، اگرچه مبتنی بر نظر آیت‌الله خامنه‌ای، مجموعه مدیریت کلان نظام، متصدی مسئله دیپلماسی در کشور است، با این حال مبتنی بر نظر ایشان، دستگاه تخصصی و مسئول پی‌گیری و اجرا و پاسخ‌گویی ایدئولوژی اسلامی و (مفاهیم مندرج در قانون اساسی) در حوزه سیاست خارجی، وزارت امور خارجه می‌باشد، و در سطح کلان (به واسطه اصل ۱۱۳ و ۱۲۱ قانون اساسی) رئیس‌جمهور «پس از مقام رهبری ... عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد» و در سوگندنامه ریاست جمهوری بیان می‌دارد که «پاس‌دار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور» است. بنابراین، رئیس‌جمهور مبتنی بر نظر مؤسسان قانون اساسی، باید در قبال اعمالی که در حوزه سیاست خارجی (که مشمول تمامی مفاهیم و مقوله‌های بررسی شده در جدول شماره ۱ می‌باشد) صورت می‌گیرد، پاسخ‌گو باشد، پاسخ‌گویی که مشمولیت آن هم در قبال نهاد رهبری، هم مجلس شورای اسلامی و هم در برابر افکار عمومی و رأی‌دهندگان می‌باشد.

منابع و مأخذ

فارسی:

- احمدی، علی (۱۳۹۸)، «هدف از ابلاغ سیاست‌های کلی نظام چیست؟»، تاریخ انتشار ۱۳۹۳.۰۳.۰۹، قابل دسترس در <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=26563>
- ارسطا، محمدجواد، برومند، محمد، «بایسته‌های اصیل ساختاری در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۸، شماره ۲۵، ۱-۲۲
- آزاد ارمکی، تقی، منوری، نوح (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران، براساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره ۱، شماره ۳، ۷-۳۷

- بوچانی، محمدحسین، صرافی، مظفر، توکلی‌نیا، جمیله، دشتی، علی (۱۳۹۶)، «تحلیل ساختاری حاکمیت ملی و مدیریت محلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو رویکرد حکمروایی شایسته شهری»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۳۴، ۲۱۱-۲۳۶
- بهداری چهرمی، محمد، اصغری شورشانی، محمدرضا (۱۴۰۱)، «جایگاه و نقش مبانی نظام حقوقی در تفسیر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۱۱، شماره ۳۶، ۱۱۷-۱۴۶
- بهشتی، ملیحه، ابن تراب، مریم، سجادی، سیدحسین (۱۳۹۸)، «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر قانون اساسی»، فصلنامه نامه الهیات، دوره ۱۲، شماره ۴۹، ۱-۱۸
- تکلی، همیلا (۱۳۹۶)، «پژوهش‌های مدیریت ورزشی دانشگاه تهران: تحلیل محتوا»، مجله علم‌سنجی کاسپین، دوره ۴، شماره ۱، ۴۵-۵۱
- خامنه‌ای، سیدعلی، (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه)، تاریخ انتشار ۱۳۹۰.۰۷.۲۰، قابل دسترس در <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17510>
- خامنه‌ای، سیدعلی، (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم)، تاریخ انتشار ۱۳۹۵.۰۵.۱۱، قابل دسترس در <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33886>
- خامنه‌ای، سیدعلی، (بیانات در دیدار مردم اصفهان)، تاریخ انتشار ۱۳۹۵.۰۸.۲۶، قابل دسترس در <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34912>
- خامنه‌ای، سیدعلی، (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی)، تاریخ انتشار ۱۳۸۹.۰۹.۱۰، قابل دسترس در <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664>
- خامنه‌ای، علی، (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان)، تاریخ انتشار ۱۳۹۸.۰۳.۰۱، قابل دسترس در <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42633>
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه‌نور: مجموعه آثار امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸)، «پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی (ره)»، مجله حضور، شماره ۲۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و رادفر، فیروزه (۱۳۸۹)، الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
- رضایی، سیدمحمد، جوکار، محمدصادق (۱۳۸۸)، «بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۱۰، شماره ۴، ۵۳-۸۸
- رضوانی، روح‌الله (۱۳۸۹)، «تحلیل محتوا»، فصلنامه پژوهش، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۷-۱۵۶
- روحانی، حسن (۱۳۹۱)، «گفتمان امام خمینی (ره) پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۱، شماره ۶۵، ۷-۶۶
- سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۴)، الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

- طاهاایی، سید جواد (۱۳۸۵)، «جایگاه قانون اساسی در سیاست خارجی»، **فصلنامه راهبرد**، دوره ۱۴، شماره ۳، ۸۹-۱۰۸
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۷)، **بنیادهای علم سیاست**، تهران، نی
- عمید زنجانی، عباسعلی، توکلی، محمدمهدی (۱۳۹۱)، «مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۲، شماره ۲، ۲۱۷-۲۳۲
- فتاحی زاده، فتحیه، بابازاده، حمیده (۱۳۹۷)، «تحقیق در اسناد و متن حدیث (جف القلم بما هو کائن) با روش تحلیل محتوا»، **دوفصلنامه حدیث پژوهی**، دوره ۱۰، شماره ۱۹، ۱۷۳-۲۰۶
- فتحی، محمد، کوهی اصفهان، کاظم (۱۳۹۷). **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۱)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل**، تهران، سمت
- مظفری، آیت (۱۳۸۷)، **اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری (مجموعه مقالات)**، تهران، زمزم هدایت
- ملکوتیان، مصطفی، (الگوی انقلاب مردمی اسلامی؛ چالش اصلی نظام سلطه)، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱.۰۳.۰۷، قابل دسترس در <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=50398>
- منادی، مرتضی (۱۳۸۵)، «روش تحقیق محتوای متن گفتاری و نوشتاری در علوم رفتاری و اجتماعی»، **نشریه روش شناسی علوم انسانی**، دوره ۱۲، شماره ۴۸، ۱۹-۲۷.

انگلیسی:

- Alonso, Sonia, volkens, Andrea, gomez, braulio(2012), "Content – analyzing Political Texts. A Quantitative Approach". At: <http://www.Cis.es/publicaciones/cm/>
- Aydin, Mustafa(2019), **Foreign Policy Instruments of States (Diplomacy, Propaganda, Economic Methods)**, Publisher: Anadolu University
- Bengtsson, Mariette(2016), "How to plan and perform a qualitative study using content analysis", **NursingPlus Open**, Vo.2, 8-14. <https://core.ac.uk/download/pdf/81181707.pdf>
- Colorado State University(2014), Content Analysis. <http://writing.colostate.edu/guides/guide.cfm?guideid=۶۱>
- E.Ethridge, Marcus.(2002), **The political research experience**, publisher M.E Sharp. New York
- Esteen, Riaan(2020), "Relationship between Domestic Affairs and Foreign Affairs". At: <https://www.riaaneksteen.com/wp-content/uploads/2020/08/Relationship-between-Domestic-Affairs-and-Foreign-Affairs-6-August-2020-3.pdf>
- Evans, Gareth(2016), "Values and Interests in Foreign Policy Making. School for International Studies", **Simon Fraser University, Vancouver**. <http://www.gevans.org/opeds/SimonsWorkingPaper53ValuesInterests.pdf>
- Farnham, Barbara(2004), "Impact of the Political Context on Foreign Policy Decision-Making", **Political Psychology**, Vo.25, No3, 441-463
- M. Catanzaro(1988), **Using qualitative analytical techniques, Nursing: research theory and practice**, The CV Mosby Company, St.Louis

- Magdi, Abdelhadi(2009), “Egypt mixes politics and religion”. http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/middle_east/4400208.stm
- Oxforddictionaries(2022),“foreignpolicy”.At:
<http://www.oxforddictionaries.com/definition/english/foreign-policy?q=foreign+policy>
- P. Burnard(1991), “A method of analysing interview transcripts in qualitative research”, **Nurse Education Today**, No11, 461-466
- Wayne, Stephen J.(2020), “The Multiple Influences on US Foreign Policy-Making”.
<http://usinfo.state.gov/journals/ips/0300/ijpe/pj51wayne.htm>.
- Zaara Zain, Hussain (2011), “The effect of domestic politics on foreign policy decision making”.At: <https://www.e-ir.info/2011/02/07/the-effect-of-domestic-politics-on-foreign-policy-decision-making/>

